

روزنامه شرق فرهنگ ایرانی	
«الفصل» زبان گویای پادشاه عربستان بود	صفحه ۱۰
خاطرات «سالیجان شریف» فضانورد مسلمان روس	صفحه ۱۱
از تاریخ و جغرافیای خود چه می‌دانیم؟	صفحه ۱۲

اعداد	نگاه
۴ میلیون مجرد دم بخت بیش از ۱۱ میلیون دختر و پسر جوان در آستانه ازدواج در کشور وجود دارد که درحال پشت‌سرگذاشتن سن باروری هستند. بخش قابل توجهی از این جمعیت که بین ۱۸ تا ۳۵ سال دارند، در حال پشت‌سرگذاشتن سن ازدواج و باروری سالم هستند که این امر زمینه‌ساز کاهش نرخ باروری در کشور است. حدود یک‌ماه پیش، محمد اسماعیل‌مطلق، مدیرکل دفتر سلامت جمعیت و خانواده وزارت بهداشت، اعلام کرد میانگین نرخ باروری در کشور ۱٫۸ درصد و نرخ مطلوب باروری ۲٫۱ درصد است که همه دستگاه‌های کشوری و نیز مجموعه وزارت بهداشت، باید تلاش کنند نرخ باروری را در کشور در راستای سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، افزایش دهند. میانگین سن ازدواج در مردها ۲۷ سال و خانم‌ها ۲۵ سال است که این میانگین در برخی استان‌ها ازجمله تهران بالاتر است و روند صعودی نیز دارد. براساس آخرین آمار، سن ازدواج در کشور پنج سال افزایش یافته است که مقامات رسمی دولت گفته‌اند باید تلاش شود حداقل دو سال آن را کاهش دهند تا به نرخ مطلوب باروری یعنی ۲٫۱ درصد برسند. گفته شده است اگر کاهش سن ازدواج در کشور رخ ندهد، در سال ۱۴۳۰ نرخ باروری صفر و پس از آن نیز منفی خواهد شد که این امر مشکلات عدیده‌ای در حوزه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی ایجاد خواهد کرد. افزایش آمار طلاق از دیگر عوامل کاهش نرخ باروری در کشور است و مسئولان دولتی روند صعودی طلاق‌ها را نگران‌کننده اعلام کرده‌اند. طبق آمار رسمی ثبت احوال، تنها در سال گذشته ۵۷۲هزارو ۵۷۲ طلاق ثبت شده که ۵٫۳ درصد نسبت به سال قبل از آن افزایش داشته است. ۸۰ درصد این طلاق‌ها در زیر ۳۰ سال اتفاق می‌افتد که زمان مناسب باروری است؛ ضمن اینکه ۱۴٫۲ درصد طلاق‌ها در سال اول زندگی و ۵۰ درصد نیز در پنج سال اول زندگی حادث شده است. افزایش سن ازدواج و بالابودن آمار طلاق باعث شده که در کشور سالانه ۴۴۰ هزار فرصت فرزندآوری از دست برود و همچنین هم‌اکنون شش‌میلیون و ۶۰۰ هزار خانم ۱۵ تا ۴۹ سال ازدواج‌نکرده در کشور وجود دارد. علاوه بر موارد بالا، افزایش فاصله بین فرزندان، تک‌فرزندی، سقط جنین، اعتیاد و ناباروری، از سوی دولتمردان، از دیگر عوامل در کاهش نرخ باروری در کشور برشمرده شده و چاره آنها نیز برنامه‌ریزی‌های متنوع آموزشی (به‌خصوص برای مردانان که مطابق با قانون مدنی‌مان در صورت ازدواج باید نان‌آور خانواده باشند) وجود ندارد یا از بین می‌رود، چگونه می‌توان همسرگزینی و ازدواج و تشکیل زندگی زناشویی را به بحثی ارزشمق افتاده به‌نام همسان‌گزینی تقلیل داد؟ البته ما هرچه در زمان به جلو آمده‌ایم، بحث همسان‌گزینی از اهمیت بیشتری برخوردار شده است، آن‌هم همسان‌گزینی متفاوت از دوران گذشته‌مان، همسان‌گزینی‌ای که مبتنی بر شناخت و انتخاب کسانی باشد که از فردای روز عقدکنان‌شان می‌خواهند برای آینده اجتماعی‌شان با هم زندگی کنند؟ البته ما هرچه در زمان به جلو آمده‌ایم، بحث همسان‌گزینی از اهمیت بیشتری برخوردار شده است، آن‌هم همسان‌گزینی متفاوت از دوران گذشته‌مان، همسان‌گزینی‌ای که مبتنی بر شناخت و انتخاب کسانی باشد که از فردای روز عقدکنان‌شان می‌خواهند برای طول عمرشان دلپذیرترین محیط را از محیط‌های مختلف اجتماعی که عضوش هستند، فراهم بیاورند.	چندی پیش سامانه ملی همسان گزینی برای ازدواج فعال شد. معاون ساماندهی امور جوانان وزارت ورزش و جوانان درباره این سامانه گفته است در این سامانه دختر و پسر به یکدیگر معرفی نمی‌شوند، بلکه جوانان به خانواده طرف مقابل معرفی خواهند شد. گفته می‌شود در حال حاضر ۱۱ میلیون مجرد و ۳۵۰ سایت همسرپایی غیرقانونی در ایران وجود دارد. در سامانه ملی همسان گزینی چهار شبکه معرفی، مشاوره، راستی آزمایی و امنا و ارزیابان همکاری می‌کنند و این سامانه، از حدود یک سال پیش در تهران فعالیت خود را آغاز کرده است و به‌تازگی به‌صورت رسمی در تهران و در چند ماه آینده در سراسر کشور فعالیت می‌کند. اما در جامعه امروز و در جایی که گستردگی شبکه‌های اجتماعی و ایجاد شیوه‌های تازه آشنایی افراد برای ازدواج یکی از پدیده‌های نوظهور است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا راه‌اندازی چنین سامانه‌هایی می‌تواند راه‌حلی برای عدم تمایل جوانان ایرانی به ازدواج یا پایداری و سلامت بیشتر ازدواج در ایران باشد؟ درهرحال، در جایی که مسئولان دولتی می‌گویند این مسئله جزء سیاست‌های ضروری جامعه است که باید به آن پرداخته شود، جامعه‌شناسان نگاه دیگری به ماجرا دارند. با «سیدحسن حسینی»، جامعه‌شناس خانواده، دراین باره گفت‌وگو کرده‌ایم؛ جایی که حسینی معتقد است: «مشکل نظام‌گسیختگی خانواده‌ها و زن وشوهرهای جوان و طلاق در میان آنها، با راه‌اندازی این‌گونه سایت‌ها حل نخواهد شد چون وقتی ما برنامه‌ای را طراحی کرده و به اجرا می‌گذاریم، باید براساس پیشینه‌های مطالعات قبلی ما و نتایج حاصل از آنها باشد که با وجود اینکه ممکن است دست‌اندرکاران راه‌اندازی، چنین ادعایی داشته باشند، چنین منطقی واقعی به‌نظر نمی‌رسد».



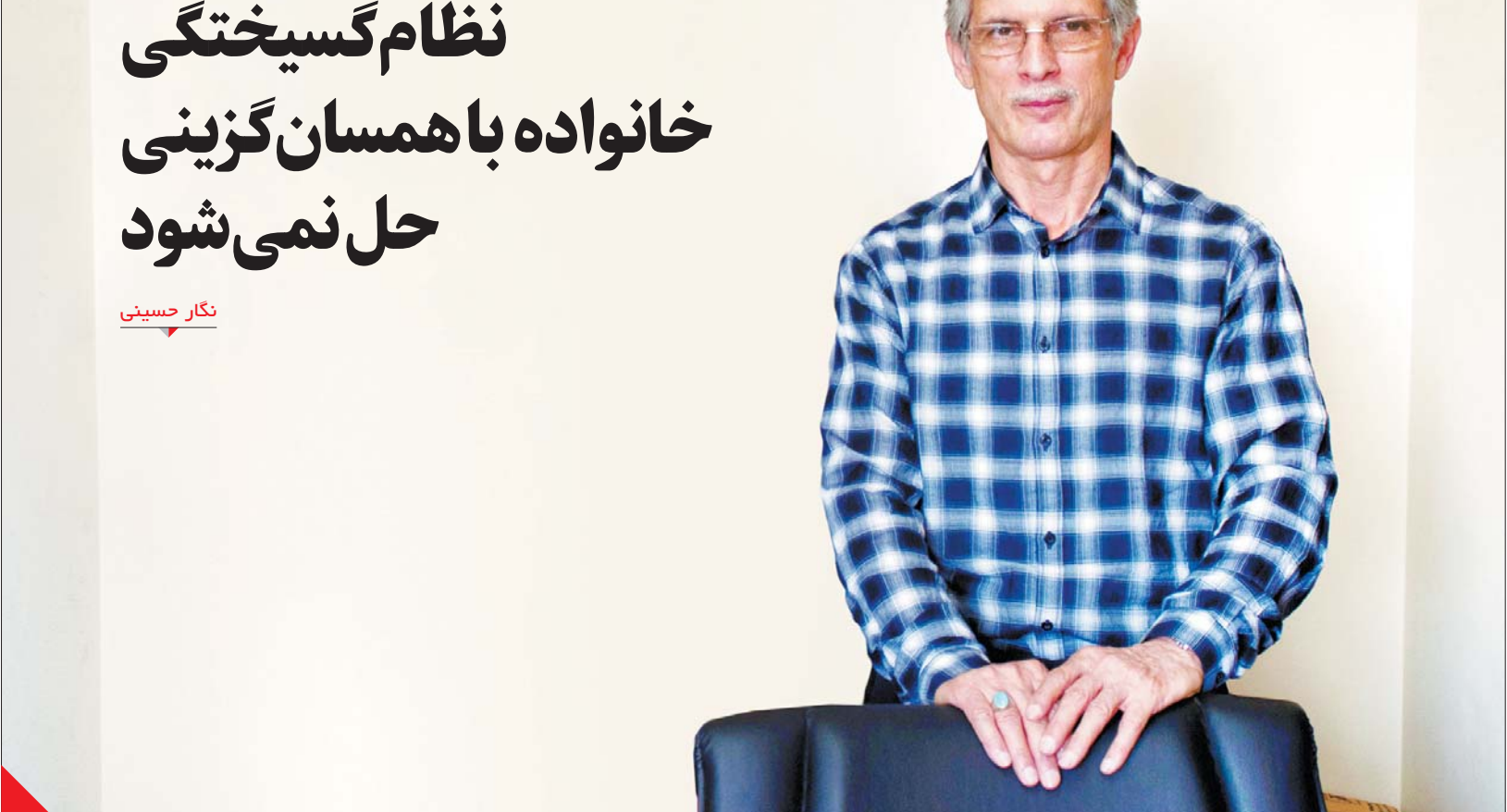
چگونگی ارسال اطلاعات

گویا همه‌چیز برای متقاضیانی که می‌خواهند از طریق این سایت، همسر انتخاب‌کنند، به پیش از اسفند ۹۳ و بعد از آن تقسیم می‌شود. براساس آنچه در سایت تبیان آمده است، متقاضیانی که پیش از اسفندماه ۱۳۹۳ ثبت‌نام خود را انجام داده‌اند و مرحله مصاحبه حضوری را طی کرده‌اند؛ باید با توجه به تغییرات صورت‌گرفته در پورتال ثبت‌نام، بار دیگر از طریق بخش ثبت‌نام مجردها وارد پورتال ثبت‌نام شده و کد واسطی که قبلا اطلاعات خود را برایش ارسال کرده‌اند به‌همراه آدرس ایمیل و شماره تلفن همراه خود وارد کنند و ثبت اطلاعات را کلیک کنند. سپس می‌توانند نام و نام خانوادگی و عنوان پروفایل اطلاعات خود را مشاهده کنند که با کلیک‌کردن بر روی پروفایل، یک کد رهگیری به ایمیل و شماره همراه‌شان ارسال می‌شود که در نهایت با واردکردن این کد در قسمت کد رهگیری (تصویر شماره ۲) به اطلاعات قبلی خود دسترسی پیدا می‌کنند و با واردشدن به این بخش می‌توانند نواقص پرونده و پرشش‌نامه‌های روان‌شناختی خود را تکمیل و ثبت کنند.

موافقم

بخش دیگری از این سایت به «مراحل ثبت‌نام تا معرفی همسان» اختصاص دارد. براساس آنچه در این سایت آمده است، در مدتی که طرح به شکل آزمایشی در حال اجرا بوده فرم‌های ثبت‌نام با همکاری مشاوران این پروژه به شکل کامل‌تری طراحی شده و دو آزمون مهم که تا حد مناسبی خصوصیات روان‌شناختی افراد را مشخص می‌کند و در یافتن فرد همسان متقاضی، کمک شایانی می‌کند، به بخش ثبت‌نام اضافه شده است. در این بخش نیز مسئولان سایت از تمامی متقاضیانی که قبل از اسفند ۹۳ ثبت‌نام کرده‌اند خواسته‌اند که به پروفایل اطلاعات خود مراجعه کرده و پرشش‌نامه‌های خود را پاسخ دهند تا پرونده‌هایشان با روند بهتری رسیدگی شود. گویا ثبت‌نام، مصاحبه حضوری و معرفی مورد مناسب از طرف معرفی‌ن تبیان کاملاً رایگان است و تمامی متقاضیانی که مایل هستند از سرویس و خدمات همسان‌گزینی استفاده کنند لازم است به صفحه ثبت‌نام مراجعه کرده، نخست شرایط استفاده از این سرویس را با دقت کامل مطالعه کنند و در صورتی که با مفاد آن موافقت داشتند، با کلیک روی کلید «موافقم» به مراحل بعدی رفته و فرم‌ها و آزمون‌های روان‌شناختی را به‌طور کامل پر کنند.

گفت‌وگو با سیدحسن حسینی، جامعه‌شناس خانواده:



عکس: محمد موبدلی‌شرق

۴ در ازدواج‌های امروزی با مختصات ویژه‌ای که دارند، چه چیز بیش از همه در انتخاب همسر اهمیت دارد؟

زندگی‌های زناشویی امروزین از خصوصیات بارزشان بعد از تشکیل، دوری محله‌ای و جغرافیایی از زادگاه و محله جغرافیایی است، پس آنچه در استحکام این روابط بیش از گذشته نقش دارد خلایق دو طرف در عمومیت زندگی اجتماعی به مفهوم عام و در حوزه زناشویی‌شان است و به همین دلیل ما هرچه در زمان جلو آمده‌ایم باید نقش تعیین‌کننده‌تری را در انتخاب همسر آینده دختران و پسرانمان به خودشان واگذار کنیم. خانواده دختر و پسر تنها در دوره‌های کودکی و نوجوانی و جوانی فرزندان‌شان می‌توانند در تلاش‌های تربیتی‌شان به‌گونه‌ای عمل کنند که ذائقه‌های انتخاب همسر فرزندان‌شان را شکل دهند ولی در مرحله انتخاب همسر، این دختر و پسر هستند که زندگی زناشویی‌شان را با ذائقه شکل‌گرفته‌شان انتخاب می‌کنند نه آنکه والدین فکر کنند سلیقه امروزی آنها در انتخاب همسر فرزندان‌شان همان است که مطلوب است و نه خلاف آن. من معتقدم طبقات اجتماعی بیشتر از سایر اقشار اجتماعی تهران بالاتر است و روند صعودی فرزندان برای آنان یعنی مبادله قدرت در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و منزلت اجتماعی، به‌خصوص وقتی حوزه سیاست و دین بر یکدیگر منطبق می‌شوند ازدواج‌های این گروه‌های سیاسی و اقتصادی و روحانی بسیار پرمعنا هستند و نظریه ما را ثابت می‌کنند. ورود به حوزه قدرت با ثروت از طریق ازدواج و حضور در حوزه ثروت به وسیله ازدواج با قدرت، از مظاهر مشهود تحولات اجتماعی در حوزه خانوادگی ایرانی هستند.

۴ در مورد سایت‌های همسرپایی نظر شما چیست؟ آیا این سایت‌ها با رویه خاصشان می‌توانند در شکل‌گیری ازدواج موفق‌تر، تأثیرگذار باشند؟ آیا در دوره شبکه‌های اجتماعی، سایت‌ها و اپلیکیشن‌های همسان‌گزینی برای ازدواج می‌تواند کارا باشد؟

درخصوص سایت‌های همسرپایی و همسان‌پایی غیردولتی که قدمتی دیرینه‌تری دارد تا سیاست جدیدی که دولت برای همسان‌گزینی باز کرده است، باید گفت که مشکل ازدواج، ازدواج زودهنگام جوانان برای جلوگیری از مفاسد دوران مجردی (که البته شخصا اعتقادی به مفسده‌انگیزبودن مجردبودن ندارم)، مشکل نظام‌گسیختگی خانواده‌ها و زناشویی‌های جوان و طلاق در میان آنهاست که با راه‌اندازی این‌گونه سایت‌ها حل نخواهد شد؛ چون وقتی ما برنامه‌ای را طراحی کرده و به اجرا می‌گذاریم باید براساس پیشینه‌های مطالعات قبلی ما و نتایج حاصل از آنها باشد که باوجود اینکه ممکن است دست‌اندرکاران راه‌اندازی چنین ادعایی داشته باشند، چنین منطقی واقعی به‌نظر نمی‌رسد. به‌عنوان مدرسی که نزدیک سه دهه در جامعه‌شناسی خانواده تدریس و تحقیق کرده‌ام، به‌نظر می‌رسد که راه‌اندازی این‌گونه سایت‌ها حتی در حد مُسکن دردهای خانوادگی‌مان هم عمل نخواهد کرد. اصولا در هر حکومتی قانون‌گذاران و مجریان قانون باید براساس مقتضیات زمان، میزان جمعیت، تحولات اجتماعی و فرهنگی و... قوانین و مقرراتی را وضع و اجرا کنند که مردم با تصمیم و به اقتضای موقعیتشان و سلیقه‌شان همسرگزینی، ازدواج و زندگی زناشویی‌شان را سامان دهند. جامعه جوان امروزی می‌نایز به‌کار، درآمد و منزلت اجتماعی دارد. چنانچه این نیازهای اساسی فراهم نباشد، با سیاست‌های انتخاب همسری که دوره‌اش سیری شده نمی‌توان عده‌ای را به‌صورت موفق به ازدواج هم در آورد و اگر هم چنین بشود هیچ تضمینی برای ثداوم مناسب و مطلوب زندگی زناشویی نیست.

۴ پرسشی که پیش می‌آید این است که در زمانی که نقش خانواده‌ها در انتخاب همسر برای فرزندان‌شان در جامعه جدید ایرانی تقریبا سپری شده است، آیا ایجاد این واسطه جدید و دخالت دولت در امر تشکیل خانواده جوانان می‌تواند مفید باشد؟

وقتی که ما از کم‌رنگ‌شدن نقش‌های خانوادگی اکثریت دختران و پسرانمان در همسرگزینی و ازدواج می‌گوییم، دولت در چنین وضعیتی تصمیم گرفته است جایگزین خانواده شود؟

دولت‌های ما در طی دورانی که بر ما گذشته به نقش‌های محوله و اصلی خود نپرداخته‌اند و آن اینکه با انفجار جمعیتی در دهه ۶۰ دهه ۷۰ باید به فکر ایجاد شغل و درآمد و تأمین مسکن، بهداشت و درمان و... جمعیت‌های جوان یا به عرصه نهاده دهه ۸۰ می‌بودند که، از آنها غافل مانده‌اند و حالا با این کارهای تبلیغاتی می‌خواهند مشکل‌گشایی ازدواج جوانان و تشکیل خانواده و از اختلافات زناشویی هم جلوگیری کنند؟

وقتی در جامعه بحران اقتصادی است، مراکز تولید تعطیل می‌شوند، صادرات خارجی به بازارهایمان سرازیر می‌شود و نەتنها قدرت جذب شاغلان جدید را نداریم بلکه شاغلان در مشاغل هم (به‌خصوص جوان‌ترهایشان که قراردادهای کارشان پادرواست) از کار کنار گذاشته می‌شوند و منبع درآمدی (به‌خصوص برای مردانان که مطابق با قانون مدنی‌مان در صورت ازدواج باید نان‌آور خانواده باشند) وجود ندارد یا از بین می‌رود، چگونه می‌توان همسرگزینی و ازدواج و تشکیل زندگی زناشویی را به بحثی ارزشمق افتاده به‌نام همسان‌گزینی تقلیل داد؟

البته ما هرچه در زمان به جلو آمده‌ایم، بحث همسان‌گزینی از اهمیت بیشتری برخوردار شده است، آن‌هم همسان‌گزینی متفاوت از دوران گذشته‌مان، همسان‌گزینی‌ای که مبتنی بر شناخت و انتخاب کسانی باشد که از فردای روز عقدکنان‌شان می‌خواهند برای طول عمرشان دلپذیرترین محیط را از محیط‌های مختلف اجتماعی که عضوش هستند، فراهم بیاورند.

فامیل پدری‌اش می‌شود. تشکیل خانواده و شروع زندگی زناشویی در همه جوامع جزء مهم‌ترین اجزای فرهنگی فرهنگ‌های مختلف بوده است، چراکه قواعد و مراسم وضع‌شده در این زمینه شاهد حضور تمام‌عیار جامعه و بستگان زن و مرد در این مبادله اجتماعی بوده و هنوز هم هست، منتها این حضور و حساسیت‌ها در طبقات اجتماعی مختلف در هر جامعه‌ای متفاوت است، مثلا در همه جوامع طبقات حاکم، طبقات تا توان اقتصادی بالا و روحانان ازجمله طبقاتی بوده و هستند که حضور و نظارت بسیار بالایی در ازدواج دختران و پسران‌شان دارند، چراکه با ازدواج نه‌تنها رابطه یک زن و مرد مشروع و قانونی می‌شود ولی فراتر از آن، ازدواج مبادله‌ای اجتماعی است که به‌واسطه آن قدرت، ثروت و منزلت میان خانواده‌ها نیز مبادله می‌شود بنابراین بسیار طبیعی است که خانواده‌های صاحب قدرت، صاحب ثروت و صاحب منزلت، این داشته‌های خود را به‌واسطه ازدواج فرزندان‌شان به مبادله بگذارند. در مثال‌های فارسی خودمان داریم که گفته می‌شود: کیوتر با کیوتر باز با باز کند هم‌جنس با هم‌جنس پرواز که در اینجا مراد از هم‌جنس، هم‌جنس طبقه‌ای و فرهنگی است.

۴ اصلا در طول قرن‌ها، از زمانی که نهاد خانواده و ازدواج به‌وجود آمده است، تمایل برای تشکیل خانواده بین افراد چگونه است؟ آیا تمایل به ازدواج با افرادی که در حوزه‌هایی مشابهت بیشتری با ما دارند، لزوما بیشتر ددیده می‌شود که ما را به روش همسان‌گزینی راهنمایی کند؟

یکی از مباحثی که در حوزه جامعه‌شناسی خانواده وجود داشته (از دهه ۶۰ میلادی در قرن بیستم) این بوده است که محققان در پی مطالعه این پدیده بوده‌اند که ببینند بیشتر ازدواج‌هایی که میان افراد صورت می‌گیرد از نوع همسان همسری (homogamie) است یا از نوع ناهمسان همسری (heterogamie) که البته این همسانی و ناهمسانی بیشتر در زمینه‌های اقتصادی، خلایق فرهنگی، خصوصیات فردی ازدواج‌کنندگان با یکدیگر و خانواده‌های آنان بوده است، که نوع ازدواج‌های «هم‌گام» یا همسان همسری بیشتر رواج داشته و دارد. مثلا کسانی که هم‌وطن، هم‌استان، هم‌شهری، هم‌روستایی، هم‌دین، هم‌مذهب، هم‌زبان و حتی هم‌لهجه هستند بیشتر با هم ازدواج می‌کنند که البته یکی از دلایل عمده آن هم‌جواری و نزدیکی جغرافیایی طبیعی، سیاسی، دینی‌شان با یکدیگر و خانواده‌هایشان است. طبعاً هم‌جنسی و همسانی طبقاتی، نقش تعیین‌کننده‌ای در هگی موارد فوق‌الاشاره دارند. در فرهنگ خودمان هم مردم اعتقاد دارند که ازدواج‌های همسان، ازدواج‌های موفق‌تری هستند.

۴ اگر بخواهیم جامعه‌شناسانه، موضوع ازدواج و انتخاب همسر را بررسی کنیم، این بررسی چگونه خواهد بود و آیا این بررسی نیز گرایش به افراد همسان در ازدواج را تأیید می‌کند؟

من به‌لحاظ مردم‌شناسانه و جامعه‌شناسانه دو ایده از دو متفکر و صاحب‌نظر فرانسوی را اکنار هم می‌گذارم و گزینش همسر و ازدواج را در قالب آن دو نظر مورد بحث قرار می‌دم:

اول، «کلود لوی اشتراوس» مردم‌شناس مشهور فرانسوی در کتاب نظام‌های خانواده و خویشاوندی خود اشاره به این دارد که گزینش همسر و ازدواج، مبادله‌ای اجتماعی است و نه انتخابی از نوع طبیعی و ظرفیت‌های طبیعی (قوای جنسی و نیاز به هم‌خواگی با غیرهم‌جنس خودمان) و به تعبیر او فرهنگ و ظرفیت‌های فرهنگی بر طبیعت ما غلبه دارد و دوم، «پیر بوردیو» جامعه‌شناس تأثیرگذار فرانسوی و مبدع اصطلاحات جدیدی است از جمله «habitus» که یکی از اصطلاحات خوب زبان فارسی برای این مفهوم معادل‌سازی شده کلمه «ذائقه اجتماعی» است. او همچنین از مفهوم «capital» یعنی «سرمایه» که کارل مارکس بیشتر از طرح آن منظوری اقتصاد داشته، استفاده کرده و سرمایه را در قالب‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، فیزیکی و سمبلیک طرح و به تحلیل و مطالعه مسائل اجتماعی در سطح ملی و جهانی پرداخته است.

به‌نظر من اگر همسرگزینی و ازدواج را که حاصل نیازهای ابتدائی طبیعی در فرهنگ است امر اجتماعی و مبادله اجتماعی بدانیم (که هست) در این مبادله یک زن و مرد داوطلب ازدواج و خانواده‌هایشان انواع سرمایه‌های اشاره‌شده را به مبادله می‌گذارند که بخشی، تعلقات سرمایه‌ای خانوادگی‌شان هستند و بخش دیگری داشته‌های سرمایه‌ای خودشان و از اینجااست که همچنان شاهدیم هم‌طبقه‌ها، با هم طبقه‌های خود بیشتر ازدواج می‌کنند و هم‌دینان و هم‌مسکلمان با هم‌دینان و هم‌کیشان خودشان؛ چراکه علاوه بر آنکه سرمایه‌های مختلف زن و مرد و اطرافیان فامیل‌شان بایستی با هم، هم‌خوانی داشته باشد در اینجا ذائقه اجتماعی زن و مردی هم که می‌خواهند با یکدیگر تشکیل زندگی زناشویی بدهند نقش تعیین‌کننده‌ای پیدا کرده و خواهد کرد.

۴ قبل از اینکه به موضوع وب‌سایت‌های همسان‌گزینی برسیم، ابتدا بیان کنید که اساسا شکل‌گیری نهاد خانواده از آغاز زندگی بشر تا امروز، چه تغییراتی داشته و چرا این تغییرات رخ داده است؟

برای پاسخ به این سؤال با مقدمه‌ای شروع می‌کنم که می‌تواند تا حدودی روشنگر باشد: در پیدایش و حیات انسان روی زمین دو روایت رایج وجود دارد؛ روایت‌های دینی که منشأ حیات و خلقت را در تمامی موجودات مرحله‌ای و مقطعی می‌دانند مثلا شش با هفت مرحله خلقت که در مرتبه آخر، آدم و سپس حوا خلق می‌شود و ادامه داستان ...، روایت‌های غیردینی که عمده‌ترین این روایت‌ها دو روایت فیکسیستی (مرحله‌ای مستقل از مراحل قبلی) و روایت ترانسفورمیستی (خلقت اتصالی و تکاملی از ایجاد تک‌سلولی‌ها تا تکامل آن به انسان) دانشمندانی چون لینه و گویه فرانسوی از طلایه‌داران نظریه اول و لامارک و داروین انگلیسی از واضعان اصلی نظریه دوم هستند. نظریه فیکسیستی بیشتر مورد استقبال نظرات دینی در خلقت بوده است و نظریه ترانسفورمیستی ی‌بای توجهی بیشتری از طرف دینداران مواجه بوده و هست. در هرصورت، این نظرات متفاوت در خلقت هستی و حیوانات و از جمله انسان، دو پایه حیاتی مشترک دارند. تغذیه برای حفظ صیانت ذات و تولیدمثل برای ثداوم نسل از ویژگی‌های بارز انسانی نیست به سایر موجودات حیوانی راست‌قامت است، همچنین بهره‌گیری از دست‌ها برای ساخت‌وساز و از همه مهم‌تر ساخت مغزی و حافظه‌ای هر چهار ویژگی مهم هستند که از انسان موجودی متفاوت ساخته است (یعنی موجود فرهنگ‌ساز). اما حالا باید ببینیم فرهنگ چیست؟ شاید ساده‌ترین پاسخ مردم‌شناسانه و جامعه‌شناسان به این سؤال این باشد: مجموع ذهن‌ساخته‌ها و دست‌ساخته‌های انسان در پاسخ‌گویی به نیازهای جسمی، روحی و محیطی‌اش. نیازهای طبیعی و اولیه جسمی‌مان تغذیه، حفاظت در مقابل خطرات طبیعی محیطی، رفع نیازهای جنسی از دوره سنی بلوغ به بعد و به‌تبع آن پدیده باروری زنان و تولید نسل و مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان معتقدندن فرهنگ با این تعریف ساده، مجموعه‌ای از بسته‌های مادی و غیرمادی نوع انسان است که در فارسی به «نهاد اجتماعی» ترجمه شده است، نام stitution sociale) که در فارسی به «نهاد اجتماعی» ترجمه شده است، نام گذاشته‌ایم. نهادهای جامعه انسانی گوناگون‌اند که مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین آنها نهاد اقتصادی، نهاد خانواده، نهاد دین، نهاد قدرت و حکومت و... هستند. ویژگی بارز فرهنگ و نهادهای اجتماعی در گوناگونی آنها به نسبت محیط‌های جغرافیایی و دوره‌های تاریخی هر گروه انسانی و تحول‌یافتن آنها در مرور زمان است. فرهنگ گروه‌های انسانی مادامی که در محیطی طبیعی منزوی بوده‌اند، شاهد تغییراتی به‌صورت بطنی بوده‌اند اما مهاجرت‌های انسانی جنگ‌ها و هم‌جواری‌های جوامع و گروه‌های انسانی با یکدیگر، امکان آشنایی نوع انسانی را با فرهنگ‌های هم‌نوعان دیگرش فراهم آورده و تغییر و تحولات فرهنگی و هم‌شکلی‌های فرهنگی را در میان ایثای بشر تسهیل کرده و گسترش داده است. نهاد خانواده نیز مانند نهادهای دیگر، از اشکالی ساده شروع شده و کم‌کم پیچیدگی‌ها و سادگی‌های امروزی را به‌دنبال داشته است. اینکه چه کسانی با چه کسانی حق ازدواج و همبستری دارند، اینکه وظایف زن و مرد در محیط زناشویی کدام‌اند؟ اینکه فرزندان نام از پدر بپردازند یا از مادر، اینکه ارزش فرزندان دختر و پسر در نزد پدر و مادر چگونه است؟ اینکه جایگاه خانواده‌های زن و مرد بعد از ازدواج چگونه است؟ و... همگی در حوزه‌های فرهنگی مختلف متفاوت بوده و با وجود نزدیکی فرهنگ‌ها به یکدیگر که از پیامدهای دوران صنعتی‌شدن است، باز هم شاهد این تفاوت‌ها هستیم؛ مثلا در فرانسه قرن بیست‌ویکم وقتی زن از ازدواج می‌کند از ثبت ازدواج به بعد در کارت‌های شناسایی‌اش اسم فامیل شوهر جایگزین اسم